

حضرت علی علیه السلام: فرح و شادمانی موجب وجد و نشاط روح آدمی می شود. (۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: به شما سفارش می کنم که نسبت به جوانان مهربان باشید، زیرا آنان در این هنگام نازک دل هستند. (۶)

علی علیه السلام: بلایا و ناگواری در زندگی برای ستمگر گوشمالی و برای مؤمن به منزله آزمایش و برای اولیا و دوستان خدا درجه (موجب کسب درجه والا تر) است. (۷)

۱. مساعد نبودن شرایط خانوادگی و محیط زندگی
۲. رعایت نکردن حریم بین زن و مرد
۳. عدم توجه والدین به احکام دینی زناشویی در ارتباط با فرزندان
۴. مجالست و همنشینی با افراد بی بند و بار و لا ابالی
۵. بیکاری و فقدان برنامه ریزی برای اوقات فراغت
۶. رفت و آمد در محیط های آلوده و چشم چرانی
۷. گوش دادن به گفت و گوهای افراد منحرف و آلوده و اطلاعات نادرست در خصوص مسائل جنسی
۸. نارسایی های ذهنی و عدم کسب موفقیت های تحصیلی
۹. خیال پردازی های انحرافی هنگام خلوت
۱۰. تحریکات جنسی از طریق دیدن عکس و تصاویر و فیلم های مستهجن
۱۱. ضعف ایمان و نداشتن تربیت صحیح دینی
۱۲. همنشینی با دوست و رفیق منحرف (۸)

پی نوشت

۱. سرمد پنداری، مؤلف جواد نعیمی، سازمان تبلیغات اسلامی، بهار ۷۴، شماره ۲۹
۲. همان، ص ۴۳
۳. همان، ص ۵۸
۴. ر. که به چشم دل، جواد محدثی، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سنار، ۱۳۷۶، ص ۳۷
۵. غریب الحکم، ص ۱۵۷
۶. میزان الحکمه، ج ۵، ص ۵
۷. پیکار الانوار، جلد ۸۱، ص ۱۰۸
۸. آنچه یک جوان باید بداند، رضا فرهادیان، ویژه پسران، ص ۶۳



پاشید کجایار

دیدار آشنا را

درآمد

خط پیوند مجال تازه ای است که از این پس در دیدار آشنا به جست و جوی آن خواهید نشست. این خط پیوند شما را به میهمانی یکی از فضلا و فرهیختگان حوزه و دانشگاه می برد. این بار به سراغ حجة الاسلام والمسلمین دکتر سید احمد رهنمایی رفته ایم. این نشست را با هم می خوانیم:

نام: سید احمد

نام خانوادگی: رهنمایی

شغل: استاد - عضو هیئت علمی - و معاون تربیتی - فرهنگی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه
تحصیلات: درس خارج حوزه و دارای دکتری فلسفه و تعلیم و تربیت از کانادا

انگیزه ورود به حوزه علمیه؟

عوامل زیر در ایجاد انگیزه و زمینه ورود من به حوزه علمیه نقش داشتند:

۱. تشویق ابوی بزرگوار ۲. پی گیری و نظارت اخوی ۳. احساس نیاز به حضور در مأمین دینی و تربیتی، اخلاقی ۴. اولین برخورد شایسته اولین استاد عزیز و بزرگوارم حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا زارعان
- سال های ورود شما به حوزه مقارن با سال های انقلاب اسلامی و پیروزی آن بود تصور شما از انقلاب چیست؟

انقلاب اسلامی افسون های ابر قدرت های شرقی و غربی را باطل کرد و معیارهایی را که دول شرق و غرب در کارگاه های دین زدایی خودشان تبیین و تعیین کرده بودند، بهم ریخت. آن معیارها کاملاً از بین رفت و اسلام ناب علی رغم همه هجمه های وسیعی که علیه آن رواج داشت، به عنوان دین حاکم بر عرصه جامعه حاکم شد. اجمالاً انقلاب اسلامی ایران موجب عزت اسلامی و سربلندی مسلمانان نه تنها در ایران بلکه در سطح جهان گردیده است.

آقای لنسر دبیر دبیرستان های دین در رشته فلسفه، برداشت زیبایی دارد، واقع بینانه و منصفانه در مورد اهمیت کاری که امام خمینی ایجاد کردند قضاوت کرده است:

می گوید: «امام خمینی به مسلمانان اعتماد به نفس جدیدی داده است. از آن گذشته به تمام افراد جهان که دنبال حیثیت و عدالتند و به خدا و افراد بشر می خواهند خدمت کنند نیروی جدیدی اعطا کرده است.» لنسر بر این باور است که امام خمینی فصل جدیدی در دعوت بشریت به خدا به وجود آورد. وی سپس به کلام رئیس جمهوری آتریش استناد می کند که گفته است: «پس از انقلاب، مردم دیگر به خاطر عقاید مذهبی که دارند خجالت نخواهند کشید.»

این نکته بلندی است. بنده نیز به سهم خود بر این نکته در طول دورانی که در غرب اقامت داشتم



واقف بودم. مشاهده کردم که چطور مسلمانان صاحب این عزت شده‌اند و عزت از دست رفته خود را باز یافته‌اند.

آیا به جیب‌ه هم رفته‌اید؟

بله. بنده بیش تر به عنوان نیروی تبلیغی به جبهه می رفتم. همواره وقتی وارد جبهه می شدیم، مسئولین و فرماندهان عنوان می کردند که ما الحمدلله نیروی رمزی فراوان داریم، چیزی که احساس کمبود می کنیم نیروی تبلیغی است.

چه شد که برای ادامه تحصیل به کانادا رفتید؟

آنچه که می‌توانم این‌جا عرض کنم و در واقع در ایجاد یک زمینه برای اعزام گروهی از جمله بنده به کانادا مؤثر بود، حضور استاد بزرگوار علامه مصباح در کنفرانس سه روزه فلسفه در دانشگاه بینگهمتون آمریکا بود. برجستگی و درخشندگی حضور معظم له در این کنفرانس موجب گردید که اقبال شایسته‌ای نسبت به استاد از سوی کسانی که در آن کنفرانس شرکت کرده بودند و معمولاً محققین رشته‌های فلسفه و یا استادان رشته فلسفه بودند صورت گیرد. در آن کنفرانس یکی از افرادی که ریاست مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل را در آن زمان برعهده داشت آقای پرفسور چارلز آدامز بود که تحت تأثیر قوت و قدرت علمی جناب استاد قرار گرفت و مجذب ایشان شد و طبعاً در حاشیه کنفرانس از ایشان تقاضای همکاری و تبادل علمی در سطوح دانشگاهی را کرد.

این قبیل برخورد‌ها زمینه‌های نخستین پذیرش ما توسط دانشگاه مک گیل را فراهم ساخت. چون یکی از شیوه‌هایی که به نظر استاد در آن زمان رسید برای تبادل علمی این بود که دانش‌پژوهانی از حوزه علمیه قم اعزام شوند.

چه وقت پذیرش و چه زمانی فارغ التحصیل شدید؟

ما یک گروه ۱۲ نفره بودیم که در سه نوبت پذیرش شدیم؛ در سه نوبت هم اعزام شدیم. بنده در اردیبهشت سال ۱۳۷۲ (مه ۱۹۹۳) اعزام شدم و در سال ۱۳۷۷ (ژانویه ۱۹۹۹ میلادی) فارغ التحصیل گردیدم و به ایران عزیز بازگشتم.

هدف از اعزام شما چه بود؟

هدف ما اجمالاً آشنایی با متدلوژی تحقیقات علمی - دانشگاهی غرب بود. معرفی اصول و موازین اسلام ناب نیز از جمله اهداف این اعزام به شمار می‌رفت. ما با حضور خود و با ارائه کنفرانس‌ها و با نوشتن مقالات تا حدودی که فرصت و امکانات و شرایط اجازه می‌داد، در ترویج اندیشه‌های اسلام ناب کوشا بودیم.

تصور شما از غرب خصوصاً آمریکا چیست؟

اگر خواسته باشم تصویری از غرب و آمریکا ارائه دهم باید گفت: غرب حداقل هویتی دو چهره دارد. دکتر هادی حائری یکی از آقایانی که خود فارغ‌التحصیل دانشگاه مک‌گیل کانادا بود، کتابی نوشته است تحت عنوان «غرب تمدن رویه». این هویت دورویه این است که به ظاهر غرب نباید دل‌بست و از باطنش هم نباید غافل ماند. ظاهرش یک جویری نشان می‌دهد و افرادی را موعوب و مجذوب به خود می‌کند. در صورتی که باطنش چیز دیگری دارد. آمریکا سمبل تمام عیار یک چنین هویت دوگانه یا چندگانه‌ای است که افکار و اعمال شیطننت‌آمیز و اهریمنی‌اش از آن، به تعبیر امام خمینی، چهره شیطان را بزرگ ترسیم کرده است.

در کانادا غیر از تحصیل به کار دیگری نیز مشغول بودید؟

در این مدت بیش تر به امر تحصیل و تحقیق اشتغال داشتم. در مواردی متناسب با اوضاع و شرایطی که پیش می آمد، ایام محرم، دهه محرم، لیالی قدر، ایام جشن و سرور ائمه و یا ایام الله ۲۲ بهمن ... برای تبلیغ در اجتماعات شیعیان از جمله پاکستانی ها، هندی ها، عراقی ها و ایرانی ها و آییناً خود غربی ها که به تشیع تشریف پیدا کرده بودند به شیوه ای گوناگون در قالب کنفرانس، سخنرانی و ... تبلیغ انجام وظیفه می کردم.

بیش‌تر در داخل خانه هستید یا بیرون از خانه؟

بیش تر بنده خارج از منزل هستیم به دلیل اقتضای شغلی که داریم، یا برای تدریس و تحقیق و یا برای امور اجرایی و تحقیق.

تعریف شما از خانواده چیست؟

خانواده به ظاهر و حجم آن که نگاه کنیم خیلی کوچک است. اما با توجه به بازدهی که احياناً خانواده‌ها می‌توانند در بازسازی جوامع، یا حتی در تخریب جوامع تأثیر داشته باشد می‌شود گفت که نقش خانواده و نقش این جامعه کوچک، بسیار بزرگ است. خانواده کانون تربیت اخلاق دینی و اجتماعی است. و به تعبیر دیگر، یک دولت پاینده‌ای است که بقا آن به انسجام روحی و معنوی حاکم بر سراسر وجودی اعضای این خانواده بستگی دارد.

موقع عصبانیت چه می‌کنید؟

بر حسب مورد، گاهی اوقات از کوره در می‌روم، و در مواردی احساس می‌کنم که نمی‌توانم تندی کنم در خودم می‌شکنم و شرایط را تحمل می‌کنم و به اصطلاح کظم غیظ می‌کنم و خشم خود را فرو می‌برم. در این گونه موارد احساس می‌کنم پس از گذشت چند دقیقه راحت تر هستم. چون گویا همه چیز به خوبی تمام شده است. در مواردی هم با بی تفاوتی از کنار قضیه رد می‌شوم، بدون این که حتی خودخوری کنم. بنده هر سه حالت را در برخورد با ناهنجاری‌های که پیش می‌آید و معمولاً موجب عصبانیت انسان می‌شود تجربه کرده‌ام.

این شخصیت‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

امام خمینی علیه السلام: احیاگر اسلام ناب محمدی و عزتبخش مسلمانان در سراسر گیتی؛

شہید مطہری: بیان رسای اسلام ناب محمدی و قلم روشنگر راہ حق از باطل؛

علامه طباطبائی: پردازشگر و تدوین کننده فرهنگ اسلام ناب محمدی و مبیین و مفسر عقلانیت دین؛

بهترین کتابی که تا به حال خوانده‌اید؟

آذرخشی دیگر از آسمان کربلا* از استاد علامه مصباح یزدی.

رابطه شما با موسیقی و به طور کلی هنر چیست؟

اصولاً هنر و زیبایی، با روح و روان انسان، دمساز و هماهنگ است. من از مشاهده یا استماع شاهکارها و یا هنرهای معنوی، با روحانیت، با ادب، که

دیدار آشنا:

حافظ) دل می‌رود ز دستم صاحب دلان خدا را
کشتی شکسته گانیم ای باد شرطه برخیز
عید و دید و باز دید: عید بازگشت به خویشتن، مروزی از بیرون به درون و از درون به بیرون؛ عید یعنی تجدید دیدار آشنای غریب، منظور از آشنای غریب، فطرت خود انسان است که آشنای ماست و در عین حال، غریب مانده است.

عشق چیست:

چون قلم اندر نوشتن می‌شتافت
عشقی آن زنده گزین کو باقی است
عشقی آن بگزین که جمله انبیاء
عشقی هایی کز پی رنگی بود
سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی
چون به عشق آمد قلم بر خود شکافت
کز شراب جان فزایت ساقی است
یافتند از عشق او قز و کیا
عشق نبود عاقبت نگی بود
عشق محمد ترا پس است و آل محمد

شهید: قلب تپنده و بیدار است، رمز استقامت و هشیاری ملت، کانون عشق و سربلندی و حرکت و از همه مهم‌تر، شاهکار آفرینش و فضیلت.

بسیج: سر سپردن به خدا؛ سکوت در فریاد و فریاد در سکوت؛ سکون در حرکت و حرکت در عین سکون؛ آرامش در بی‌قراری و بی‌قراری در آرامش؛ و میثاق پایدار و استوار با ولایت.

الگو: ابراهیم خلیل الرحمن در مصاف با بت‌ها و بت پرستان
تروریسم: تروریسم اوج درماندگی دشمنان خانگی و خارجی، آخرین خدنگی که از کمان بد آهنگ خصم پرتاب می‌گردد.

پنج مشکل عمده یک جوان را به ترتیب اهمیت بیان کنید؟
خود فراموشی جوان؛ خود درماندگی جوان؛ از خود بیگانگی جوان؛ خودمحوری جوان؛ خود کم بینی جوان

آیا فساد اقتصادی، عامل پدید آورنده فسادهای دیگری همچون فساد اخلاقی و غیره است؟

ثروت در دست انسان ناهل مثل سلاح برنده‌ای است در کف زنگی مست. کسی که مجرای اقتصادی فاسدی را انتخاب کرده باشد، قبلاً به فساد اخلاقی گرفتار آمده است. پس فساد اقتصادی قبلاً بر پایه فساد اخلاقی صورت پذیرفته و در عین حال، در تقویت و ترویج فساد اخلاقی می‌تواند مؤثر باشد.

وظیفه یک جوان در جامعه امروز

کشف هویت خویش برای بازسازی خویشتن براساس ایمان و تقوا و بصیرت
رمز موفقیت یک جوان

خداباوری، انتخابی احسن، آغازی نیکو، استقامتی قهرمانانه و طاقتی صبورانه
در شناخت جهات مسائل سیاسی و روز کشور از چه کسی الگو بگیریم؟
از مقام معظم رهبری

اگر خدمت رهبر معظم انقلاب شرفیاب شدید چه جمله را مطرح می‌کنید؟
بی عشق تو هرگز نتوان عاشق مهدی شد بی مهر تو هرگز نتوان یار خمینی بود
بهترین جمله‌ای که تا به حال شنیده‌اید؟

در تاریخ ۱۳۷۲/۲/۷، چند روز قبل از عزیمت به کانادا در جمع تعدادی از دوستان به خدمت مقام معظم رهبری شرفیاب شدیم و ایشان مطالبی فرمودند از جمله «ان لنا فیک املاً طویلاً» بعدش فرمودند خداوند ان شاء الله شما را ذخیره اسلام و شیعه قرار بدهد.

اگر به جای مصاحبه کننده بودید، چه سؤالی را هرگز نمی‌پرسیدید؟
همین سؤال را نمی‌پرسیدم

برخورد شما با مزاحم تلفنی؟
ساکت می‌مانم تا قطع کند.

یک روز معمولی؟

سر زنده و شاداب از انجام موفقیت آمیز مسئولیت‌ها

بهترین صدای طبیعت؟

سفیر باد در سکوت کوهستان

احیاناً در قرآن روایات و یا اشعار عارفان و یا قطعات ادبی نویسندگان زبردست مورد توجه قرار گرفته است لذت می‌برم. از هنر متعهد که پرورش دهنده و جهت بخش فکر و خیال و اندیشه انسانی است خوشم می‌آید.

اما با موسیقی به تعریف و برداشت رایج آن میانه‌ای ندارم. گرایش بیش از حد به موسیقی تصنعی و غیرطبیعی، یعنی آن نوع از موسیقی که دست ساز بشر می‌باشد و با آلات نوازندگی و یا با طرب‌انگیزی خاصی همراه است، چون با وجود و طبیعت و فطرت ما دمساز نیست، جنبه تخدیرکنندگی می‌یابد و آرام بخش واقعی به حساب نمی‌آید. انسان هنگامی که از یک وسیله و یا ابزار تخدیرکننده استفاده کند؛ بعداً اراده آن هم تحت الشعاع آن ابزار قرار می‌گیرد و اصولاً یکی از عواملی است که می‌تواند در تضعیف اراده انسان تأثیر داشته باشد.

روزانه ورزش هم می‌کنید؟

متأسفانه ورزش به ندرت. البته، سعی می‌کنم بعضی روزها صبح بعد از نماز از خانه بیرون بزنم و بدوم. بیش تر علاقه به ورزش دو دارم و احیاناً اگر فرصتی پیش آید شنا می‌کنم.

این کلمات را در یک جمله تعریف نمایید؟

حج: حج آهنگ به خدا پیوستن و از هر چه غیر خدا بریدن؛
رمی جمرات: رزمایش اعلان برائت و تمرین مبارزه با شیاطین جن و انس؛
سعی صفا و مروه: عاشقی و دل باختگی و سر از پا نشناختن در راه وصال به معشوق حقیقی؛

بقیع: عقده خفته تاریخ اسلام ناب که به وقت ظهور حضرت مهدی گشوده خواهد شد. بقیع رنج‌نامه جانکاه شیعه که به درگاه حضرت احدیت و به پیشگاه حضرت حجت بازگو خواهد شد.

چه کتابی نوشته‌اید؟

«غرب شناسی» که طی دو سال گذشته در طرح ولایت تدریس شده است. در تألیف و تدوین کتاب «روان شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی» نیز بنده به عنوان یکی از مؤلفین همکاری داشتم.

آزادی یعنی چه؟

آزادی یعنی آزاد از خویشتن و رهایی از نفسانیت. آزادی یعنی تعهد به خویشتن و خود را به جز برای خداوند برای احدی بنده نساختن

دین چیست؟

دین به نظر من راهکار سودمند ابراز تعهد و تعبد نسبت به خداوند عزوجل و وسیله رسیدن به سعادت دنیا و آخرت می‌باشد.

دینداری چرا؟

دینداری التزام و پای بندی فکری و عملی و ظاهری و باطنی به تکالیف و پیمان‌های الهی است که براساس باورمندی به باورها و تکیه بر ارزش‌های اصیل خدایی صورت می‌پذیرد. دین داری فطری بشر است و اگر حقیقت آن ادا شود تضمین کننده سعادت دنیا و آخرت انسان است.

شیعه یعنی چه؟

شیعه یعنی یکپارچگی شور و شعور و شهادت طلبی؛ شیعه یعنی یک جهان یقین و دین باوری؛ شیعه یعنی یک عمر عشق و عاشقی؛ شیعه یعنی کاملاً هدایت یافتگی.

عاشور را چگونه می‌شناسید؟

عاشورا شورانگیزترین آئین عشق بازی در بارگاه ربوبی و پرافتخارترین مرام دین باوری و فداکاری در راه تحقق آرمان‌های مقدس الهی؛ عاشورا یعنی با حسین بودن، به عشق حسین زیستن و به همراه و هوای حسین هجرت کردن.

این جملات را مختصراً تعریف کنید؟

جمعه و مهدی: هر جمعه به یاد شورانگیز یوسف زهرا، مهدی (عج) ندبه فراق و ندبه اشتیاق سر می‌دهیم.

جوان: جوانی دارد سرشار از شور و نشاط، دلی دارد مالا مال از عواطف و احساسات و چنانچه احساسات پاک و لطیفش با فطرت پاکش همسو گردد تعالی می‌یابد.

فرهنگ: فرهنگ تجلی باورها و ارزش‌ها در فکر و عمل انسان به شمار می‌رود.